برش

مسئله این است که ما خلاف جریان هستیم

مهدی زارع | فرهنگ در تعریفی مانع و جامع عبارت است از «هر نوع مداخله انسانی در وضع طبیعی». در این تعریف هم مظاهری که در حرکت حرکت انسان در مسیر پیشامد تاریخ تولید و ایجاد شده است آثار فرهنگی محسوب می‌شوند. در نتیجه حرکت انسان روی خط زمان همزمان با تاریخ، دو مؤلفه مرتبط با فرهنگ گسترش پیدا کرده است: ۱. حجم آثار فرهنگی ایجاد شده از محصولات هنری گرفته تا زمخت‌ترین تولیدات صنعتی(۲). تعداد استفاده‌کنندگان از آثار فرهنگی.

با وجود این، وقتی فرهنگ به عرصه اجتماع وزندگی جمعی می‌رسد، گاهی در قوانین مختلف حلول می‌یابد و البته از آن‌ها تأثیر هم می‌پذیرد. از همین رهگذر می‌بینیم قوانین مربوط به حوزه‌های مختلف، تولید ونوشته می‌شوند: قوانین حوزه ساخت‌وساز، قوانین حوزه تولیدات فرهنگی، قوانین حوزه محیط زیست و میزان مداخله در آن و دیگر حوزه‌هایی که زندگی جمعی ما انسان‌ها با آن گره خورده است.

این روند (یعنی حلول فرهنگ در کالبد قوانین) در همه نظام‌های عالم امری پذیرفته شده است و در همه نظام‌ها از لیبرال‌ترین تا فاشیست‌ترین آن‌ها، اتمسفری که فرهنگ را تبدیل به قانون می‌کند، ایدئولوژی(تابعی یا سه پارامتر اصلی جهان‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی) است. ایدئولوژی که در حقیقت نقش کاتالیزور را بازی می‌کند روند تولید قوانین از دل فرهنگ و اثرگذاری این دو بر یکدیگر را تسریع می‌بخشد. حتی در ابتدایی‌ترین جوامع بشری هم این نسبت رعایت شده است. در نتیجه هر فرهنگ، قانون متقن، نظامی یا ساخت درونی محکم را ایجاد می‌کند اما حرکت انسان تنها در این مرحله متوقف نمی‌شود و قانون متقن، نظامی یا ساخت درونی نظام‌های عالم را حرکت انسان تنها در دو همه نظام‌ها از یکدیگر گرفته‌اند.

یعنی قانون‌نویسی و نظام‌سازی متوقف نمی‌شود. انسان از زمانی که بار امانت را به دوش گرفته، آمده تا تمدن بسازد، اگرچه خود در بسیاری موارد به این هدف ملتفت نبوده است. اما تمدن‌ها در مجاورت یکدیگر نسبت به هم وضع می‌شوند (در غالب موارد تهاجمی) می‌گیرند: تمدن یونان باستان در مقابل تمدن ایران باستان، ایران باستان در مقابل روم باستان، چین در مقابل هند، هند در مقابل ایران، تمدن اسلام در مقابل تمدن‌های ایران، روم و حبشه رویکردهای تهاجمی و تدافعی گرفته‌اند.

نتیجه این تقابل هم ارتباط مستقیم با میزان قوام‌یافتگی «ساخت درونی» تمدن‌ها دارد. اگر ساخت درونی تمدنی از قدرت لازم برخوردار باشد، تقابل تمدنی را خواهد برد و گرنه شکست. سرنوشت محتوم آن است. به همین دلیل است که تمدن‌ها در تقابل با یکدیگر در حقیقت تلاش می‌کنند بر ساخت درونی یکدیگر اثر بگذارند و از این رهگذر از جامعه تمدنی مقابل بارگیری کنند. اگر در تاریخ می‌خوانیم ساکنان نواحی مرزی ایران پیش از اسلام برای زرتشتی شدن یا مسیحی شدن بر یکدیگر سبقت می‌گرفته‌اند یا می‌بینیم که ایرانیان عصر یزدگرد، پیش پای سربازان سپاه اسلام را گلبران می‌کرده‌اند در نتیجه همین تأثیرات تمدنی است.

برای ورود انقلاب اسلامی تقابل تمدنی دیگری به وقوع پیوست و فرهنگی دینی که در ۴۰۰ سال گذشته در ایران و از مدت‌ها پیش از آن در غرب از عرصه نظام‌سازی رخت برسته بود بار دیگر مبنای قانون‌گذاری قرار گرفت. اگرچه فرهنگ اسلامی ذاتاً فرهنگی مهاجم نیست و ساخت درونی تمدن اسلامی هم مستحکم نشده، اما طبیعی است که با فعال شدن ایدئولوژی الهی برای ایجاد تمدن اسلامی، ایدئولوژی لیبرالیسم که درون‌مایه‌ای غیرالهی دارد، احساس خطر کند. در نتیجه همین احساس خطر است که تمدن غرب در عرصه‌های مختلف دست به تهاجم زده و از اقتصاد گرفته تا فرهنگ تلاش دارد، مانع از استحکام ساخت درونی تمدن اسلامی شود. وقتی به این نگاه به اوضاع این روزها و سال‌های جامعه ایران نگاهی بیندازیم می‌بینیم اتفاقاً این تمدن غربی است که با تکیه بر ابزار رسانه‌ای خود (یکی دیگر از مظاهر تمدنی لیبرالیسم) تلاش دارد به همه عرصه‌های تمدن‌سازی

برش

این رخدادهای اخیر خواست طبقاتی است و خواست اجتماعی نیست. اصلاً ببینید ورزشگاه‌جطور تبدیل به مسئله شد. رسانه‌های طبقه بالا این را تبدیل به مسئله کردند. این موضوعات مربوط به حجاب را یک خواسته تحمیلی می‌دانم. خواست اجتماعی از خانواده و آموزش و پرورش شروع می‌شود. خانواده الان مطالبه‌گر آموزش و پرورش است در امر حجاب و عفت. مسئله حجاب هیچ وقت جزو ۱۰ تا مسئله اول نبوده اما اشتغال جزو سه مسئله اول بوده است و خانواده این را مطالبه می‌کند.

گشت ارشاد منطقی است. چرا منطقی است؟ چون قانون ضمانت اجرا می‌خواهد، چه اینکه تمدن غربی هم اید‌ئولوژیک است و درون‌مایه فرهنگی دارد. تقابل اصلی از آنجا شکل می‌گیرد که جمهوری اسلامی بنا دارد خلاف جریان حرکت کند و تمدنی در رقابت با تمدن غربی ایجاد کند نه دنباله‌رو آن. هژمونی غیرالهی حاکم بر جهان، این حرکت خلاف جریان» را برنمی‌تابد و بدون شک به بحران‌سازی برای تمدن الهی ادامه خواهد داد.

پرونده حجاب ۳۶

زن ایرانی و نسخه شفابخش فطرت

مریم قربانزاده، نویسنده

جهان غرب در حوزه مسائل زنان پر است از نسخه‌های غیرفطرتی شکست خورده. نسخه‌هایی که حتی از قوانین طبیعت و فیزیولوژی هم عبور کرده‌اند! گرچه موضوع بازگشت به فطرت در کتاب‌های چند دهه اخیر برخی از نظریه‌پردازان غربی حوزه زن و خانواده دیده می‌شود اما شاید دیگر برای جبران خیلی دیر شده باشد. اما انقلاب اسلامی هم رشد فردی زن را به رسمیت می‌شناسد، هم او را به حضور اجتماعی عفیفانه ترغیب می‌کند و هم نقش‌های بی‌بدیل و بدون جایگزینش در خانواده را پاس می‌دارد. نظریه انقلاب اسلامی در حوزه زنان از همین سه ضلع اصلی تشکیل شده است. هر چند در اقناع اجتماعی و تنوع بخشیدن به مصادیق و نوآوری و به‌روزرسانی نحوه تحقق توانسته است در صحنه عمل آن طور که باید و شاید بروز و ظهور کند. یکی از دلایل این نقص، طرز فکر و عملکرد سیاستمداران در دوره‌های مختلف و اصرار و وابستگی‌شان به الگوهای توسعه غربی بدون فهم طبیعت و فطرت زن ایرانی مسلمان بوده است. این موضوع موجب اجرای سیاست‌های غلطی شده است که هر چند ظاهری شیک و زیبا دارند اما پیامدهای منفی و آسیب‌های اجتماعی فراوان آن حالا خودش را نشان داده و جامعه و خانواده ایرانی را تهدید می‌کند. اینکه دورانی طولانی دولتمردان (چه اصلاح‌طلب و چه اصول‌گرا) در حوزه زنان بر طبل آزادی‌های فردی شبه‌غربی، اشتغال و موقعیت‌های جلوه‌گرانه اجتماعی بکوبند و به یک باره و یک سویه بر نقش‌های خانوادگی، مادری و فرزندآوری تأکید کنند، یعنی هنوز سر کلاف پیدا نشده است. عجیب آنکه گفتمان نخست زیرساخت‌ها و زمینه‌های طرح‌هایش را بهتر آماده می‌کند و از همه ظرفیت‌های هنری، آموزشی و رسانه‌ای در همه فایل‌ها از جمله کتاب، سینما، مطبوعات، آموزش و پرورش و صدا و سیما استفاده می‌کند و گفتمان دوم به جای آماده کردن زمینه‌ها و استفاده از ظرفیت‌ها و فایل‌های موجود فقط می‌خواهد با شعار و تعهد و تشویق‌های اعتقادی کار را پیش ببرد! تعریف زن در چارچوب خانواده و تعلقات عاطفی و اجتماعی او شرط مهمی است. فراهم کردن شرایط و زمینه بروز این تعلقات در بازترفیع نقش‌های زنانه با سیاست‌گذاران باید برعهده بگیرند. مادری به عنوان نقشی که هیچ جایگزینی در تاریخ بشریت نداشته و ندارد باید به جایگاه خودش برگردد و این یعنی اجرای برنامه‌های تسهیل ازدواج آگاهانه، تشکیل آسان زندگی و خدمت‌رسانی و حمایت‌های فراگیر از نهاد خانواده. این یعنی حمایت دستگاه‌ها از مادران کارمند، یعنی ارائه خدمات شهری لازم و ضروری برای تسهیل و لذگری و صدها تعریف کار جدید دیگر. ایده نیمه انجام شده انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده اگر کامل اجرا شود، هم زنان در جایگاه اصلی شان قرار می‌گیرند، هم خانواده سامان می‌گیرد و هم جامعه به رشد و تعالی می‌رسد. برای اجرای یک برنامه جامع، پیش از هر چیز توجه به فطرت زنانه باید مدنظر باشد. جهان زنانه در تمام دنیا می‌خواهد به فطرت برگردد. انقلاب اسلامی و الگوی سه‌بعدی‌اش درباره زن جای کابازه است. دوم: گفتمان‌سازی در سخنرانی‌ها، سیاست‌های رسانه‌ای مجله زن روز و... جشن‌های هنر شیراز، به نوعی رواج اینکه زن باید با کلیشه‌های جنسیتی‌اش شناخته بشود. سوم: سینما، در دوره محمدرضا بود که سینما و کنسرت به شدت ظهور کرد. در این دوره تأخیر در مصرف فرهنگی به شدت کم شده بود. در منطقه ایران اول بود در مصرف فرهنگی اروپا.

چهارم: «حجاب به عنوان امری دینی سیاسی» مطرح می‌شود. در همین راستا قانون الزامی بودن پوشش را در سال ۶۲ وضع می‌کنیم در حالی که هیچ دستوری از رهبران انقلاب درباره حجاب وجود ندارد. خانواده‌هایی که در نظام شاهنشاهی رشد کرده بودند دو خواسته داشتند: یکی اینکه حکومت اسلامی نشود و دیگر اینکه حجاب اجباری نشود! در صورتی که تا آن لحظه کسی درباره حجاب اجباری صحبت نکرده بود. اینجا

گفت‌وگو با عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) درباره اینکه تغییر الگوی حجاب، خواست طبقاتی است یا خواست اجتماعی

بی‌حجابیِ تحمیلی

هادی ذاکی | «حجاب یک انتخاب شخصی در امر اجتماعی است» این اید‌ئولوژه عبدالرسول علم‌الهدی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) است درباره حجاب و آنچه این روزها در رسانه‌ها مطرح می‌شود. در گفت‌وگو با عبدالرسول علم‌الهدی کمی به تبارشناسی حجاب پرداخته‌ایم و در انتها، بحث را به ضرورت تغییر در استدلال‌های دینی فرهنگی جمهوری اسلامی درباره حجاب کشانده‌ایم. گفت‌وگو با وی از این منظر که مسئله حجاب را با نگاه علمی و پیمایشی بررسی کرده است می‌تواند حائز اهمیت باشد.

■ **وقتی حرف از حجاب و مسئله حجاب می‌شود، آنچه در زمان حال می‌گذرد اهمیت پیدا می‌کند بی‌آنکه به مسیری که از حیث مسئله اجتماعی طی شده توجه داشته باشیم. مسئله حجاب را در بستر تاریخ چگونه می‌شود تحلیل کرد؟**

ما چند سر تحول در امر حجاب از زمان قاجار تاکنون داریم و هیچ کدام نفی نشده است. یکم: «حجاب به مثابه امر فرهنگی دینی در جریان خانواده شهری» است. حجاب پیش از اسلام در ایران بوده و پس از اسلام به صورت متفاوتی مطرح شده اما جالب است بدانید که هیچ وقت «مسئله» نبوده است.

دوم: «حجاب به مثابه یک امر سیاسی اجتماعی» به مسیری که از حیث مسئله اجتماعی طی شده توجه داشته باشیم. مسئله حجاب را در بستر تاریخ چگونه می‌شود تحلیل کرد؟

ما چند سر تحول در امر حجاب از زمان قاجار تاکنون داریم و هیچ کدام نفی نشده است. یکم: «حجاب به مثابه امر فرهنگی دینی در جریان خانواده شهری» است. حجاب پیش از اسلام در ایران بوده و پس از اسلام به صورت متفاوتی مطرح شده اما جالب است بدانید که هیچ وقت «مسئله» نبوده است.

دوم: «حجاب به مثابه یک امر سیاسی اجتماعی» و ضروری برای تسهیل و لذگری و صدها تعریف کار جدید دیگر. ایده نیمه انجام شده انقلاب اسلامی در حوزه زن و خانواده اگر کامل اجرا شود، هم زنان در جایگاه اصلی شان قرار می‌گیرند، هم خانواده سامان می‌گیرد و هم جامعه به رشد و تعالی می‌رسد. برای اجرای یک برنامه جامع، پیش از هر چیز توجه به فطرت زنانه باید مدنظر باشد. جهان زنانه در تمام دنیا می‌خواهد به فطرت برگردد. انقلاب اسلامی و الگوی سه‌بعدی‌اش درباره زن جای کابازه است. دوم: گفتمان‌سازی در سخنرانی‌ها، سیاست‌های رسانه‌ای مجله زن روز و... جشن‌های هنر شیراز، به نوعی رواج اینکه زن باید با کلیشه‌های جنسیتی‌اش شناخته بشود. سوم: سینما، در دوره محمدرضا بود که سینما و کنسرت به شدت ظهور کرد. در این دوره تأخیر در مصرف فرهنگی به شدت کم شده بود. در منطقه ایران اول بود در مصرف فرهنگی اروپا.

چهارم: «حجاب به عنوان امری دینی سیاسی» مطرح می‌شود. در همین راستا قانون الزامی بودن پوشش را در سال ۶۲ وضع می‌کنیم در حالی که هیچ دستوری از رهبران انقلاب درباره حجاب وجود ندارد. خانواده‌هایی که در نظام شاهنشاهی رشد کرده بودند دو خواسته داشتند: یکی اینکه حکومت اسلامی نشود و دیگر اینکه حجاب اجباری نشود! در صورتی که تا آن لحظه کسی درباره حجاب اجباری صحبت نکرده بود. اینجا

■ **سرانجام پس از این سیر باید به حجاب چگونه نگاه کنیم؟**

ما حجاب را به عنوان یک امر اخلاقی، دینی، فرهنگی و... می‌توانیم توجه کنیم اما امروز حجاب یک امر هویتی است. حجاب تنها مانع انقلاب جنسی و تنها ضمانت ظهور و تداوم خانواده است.

■ **بد نیست اینجا درباره الزام‌های اجتماعی حجاب هم صحبت کنیم. اینکه گشت ارشاد را چگونه می‌بینید و توجیه می‌کنید؟**

گشت ارشاد منطقی است. چرا منطقی است؟ چون قانون ضمانت اجرا می‌خواهد، حتماً کسانی هستند که نمی‌خواهند قانون را اجرا کنند! البته باید این را منظر داشت که هر چند گشت ارشاد منطقی باشد اما نگرشی که الان مردم از گشت ارشاد دارند و چیزی که در ذهن مردم می‌سازد به شدت منفی است. در جریان حاضر باید برند گشت ارشاد را تغییر دهیم. مثلاً بگوییم در برابر هفت یا هشت رفتار یا ضابط اجتماعی داریم که یکی اش می‌تواند حجاب باشد. گشت ارشاد بسیار منطقی است برای مقابله با مرد وزنی که می‌خواهند در امر جنسی لاابالی گری کنند. یا باید با نمایش متهورانه بی‌حجابی برخورد کنیم. یا نمایش‌های ضدقانون باید برخورد صریح صورت بگیرد.

■ **ما همیشه از شرایط اجتماعی و ضرورت تغییر در سیاست‌های فرهنگی حرف می‌زنیم. آیا شرایط اجتماعی درباره حجاب به سطحی رسیده است که بخواهیم اصل آن را مورد تجدید نظر قرار دهیم؟**

پیمایشی در تهران انجام شده بود که ۸۵ درصد مردم حجاب را به عنوان یک ارزش پذیرفته‌اند. اراده مردم با شرایط اجتماعی همخوانی دارد.

■ **شاید مخاطب بپرسد پس چرا با وجود ارزشمندی حجاب با گسترش رفتارهای بدحجابی مواجهیم؟ چرا زنان بدحجاب در تشییع حاج‌قاسم حضور دارند؟ چرا پایبند فرهنگ ایثار و شهادت هستند و...؟**

من با اینکه می‌گویند مردم ایران معنوی‌تر شده‌اند همراهی می‌کنم. حتی آقای فراست‌خواه در پژوهش‌هایش می‌گوید مردم ایران چون خوی گرمی دارند با مراسم و مناسک همراهی بیشتری دارند تا احکام.

در پاسخ به پرسش شما چهار علت را برمی‌شمارم:

یک/ مصرف‌گرایی و مصرفی شدن اجتماعی است که تمدن غرب در عرصه‌های مختلف دست به تهاجم زده و از اقتصاد گرفته تا فرهنگ تلاش دارد، مانع از استحکام ساخت درونی تمدن اسلامی شود. وقتی به این نگاه به اوضاع این روزها و سال‌های جامعه ایران نگاهی بیندازیم می‌بینیم اتفاقاً این تمدن غربی است که با تکیه بر ابزار رسانه‌ای خود (یکی دیگر از مظاهر تمدنی لیبرالیسم) تلاش دارد به همه عرصه‌های تمدن‌سازی جریان تغییر کرد؟ آیا به تکریم زنان منجر شد یا به ابتذال جنگ نرم کمک کردی؟ آیا الان پس از ورزشگاه سه کلانشهر ۷۵ درصد زنان بدحجاب گفته بودند ما زیبایی‌طلبی داریم. تبرج زنانه به معنای کسب منزلت اجتماعی است. این خطرناک است یعنی زن نتوانسته برای خودش هویت‌یابی کند. خب تا چه سنی این زیبایی را دارد. متلاً فرض کنید تا ۴۰ سالگی. پس از آن می‌خواهد چکار کند؟ می‌رود به سمت عمل زیبایی. بازه سنی عمل زیبایی به شدت زیاد شده است. این کلیشه‌گرایی به خاطر هویت‌یابی است.

سه/ ظهور همگرایی گفتمانی با مدرنیسم است. بخشی از زنان ما هنوز حجاب را یک امر سنتی، خانوادگی و قومی می‌دانند و می‌خواهند از سنت‌ها عبور کنند.

چهار/ زنانی که اخلاق‌مدار هستند و فقط حجاب را از زاویه اخلاقی نگاه می‌کنند. آزادی‌مدار هستند و به عنوان امر شخصی قبول می‌کنند. مبارزه مدنی برای تغییر سیاست‌های اجتماعی جمهوری اسلامی. این قشر در پیمایش حدود ۲ درصد بودند.

■ **آینده حجاب را چگونه می‌بینید؟ به کدام سو می‌رویم؟**

ما باید به یک منطق روشن برسیم. قرار نیست رفتار دوم برگزار کنیم اما باید با جامعه بر سر این موضوع صحبت بشود و اقناع بشود. آینده مطلوب این است که با مردم گفت‌وگو کنیم، نه برای اینکه آن‌ها را توجیه کنیم برای حجاب! بلکه برای اینکه به مردم بگوییم جمهوری اسلامی چه منطقی دارد برای حجاب و چه منطقی زمی جریان پیش بگیرد. منطق روشن وهمگن برسد. سکوت نداشته باشد. در مقابل سلبریتی‌ها یی جریان در پی ارزیابی تمدن زنان و حکومت اسلامی بر منطق ستم و نابرابری است. نظریه سنگری موقعیت زنان را بر حسب رابطه قدرت مستقیم میان مردان وزنان تعریف کرده، به عبارت دیگر زنان ایرانی تحت قید و بند، تابعیت، تحمیل، سوءاستفاده و بدرفتاری مردان هستند. این الگوی سنگری با عمیق‌ترین شکل در سازمان جامعه

■ **در توجیه اتفاقات اخیر این گزینه مطرح می‌شود که تغییر و عدم التزام به حجاب خواست تمام مردم است. این را چگونه می‌شود تحلیل کرد؟**

این رخدادهای اخیر خواست طبقاتی است و خواست اجتماعی نیست. اصلاً ببینید ورزشگاه چطور تبدیل به مسئله شد. رسانه‌های طبقه بالا این را تبدیل به مسئله کردند. این موضوعات مربوط به حجاب را یک خواسته تحمیلی می‌دانم. خواست اجتماعی از خانواده و آموزش و پرورش شروع می‌شود. خانواده الان مطالبه‌گر آموزش و پرورش است در امر حجاب و عفت. مسئله حجاب هیچ وقت جزو ۱۰ تا مسئله اول نبوده اما اشتغال جزو سه مسئله اول بوده است و خانواده این را مطالبه می‌کند.

انقلاب زنانه؛ تاکتیک تغییر در الگوی رفتاری زن ایرانی

مهدیه شادمانی، پژوهشگر حوزه زنان | محور عبری- غربی به رهبری ایالات‌متحده آمریکا هنگامی که نتوانست در حوزه نظامی جمهوری اسلامی ایران را محدود کند، راهبرد تقابلی خود را وادفاز براندازی نرم در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کرد. انقلاب زنانه را شاید بتوان مهم‌ترین راهبرد جریان رقیب با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان، فعالان حوزه زنان و لژیونرهای ضدنظام در راستای تغییر در الگوی رفتاری زنان ایرانی و بی‌ثباتی سیاسی نامید. حرکتی که اگر چه ظرفیت و قدرت تغییر نظام جمهوری اسلامی را ندارد اما با حرکت نرم در حال تضعیف دال اصلی گفتمان انقلاب یعنی احکام اسلامی است. شاید گرانی نباشد اگر ذعان کنیم از نظر سرمایه‌گذاری و قدرت شبکه‌سازی زنان، این جنبش یکی از مهم‌ترین پاشنه‌های آشیل جمهوری اسلامی شناخته می‌شود.

موضوع مبارزه این جنبش، رهایی زن ایران در راستای دستیابی زنان به هویت انسانی، آزادی و برابری و مبارزه با همه پدیده‌های زن‌ستیز همچون قوانین مردسالار مذهبی و سنتی است. رهبران این جنبش معتقدند حکومت جمهوری اسلامی به عنوان پایه اتهام تصویب قوانین مذهبی، ضدزن و خشونت‌سازماندهی شده قانونی دولتی وقضایی در دادگاه‌های بین‌المللی مورد کیفرخواست واقع‌شود. اما از بعد نظری چارچوب فکری این انقلاب، به نوعی با تلفیق نظریه‌های ستمگری جنسیتی و نابرابری جنسیتی در پی ارزیابی نسبت زنان و حکومت اسلامی بر منطق ستم و نابرابری است. نظریه ستمگری موقعیت زنان را بر حسب رابطه قدرت مستقیم میان مردان وزنان تعریف کرده، به عبارت دیگر زنان ایرانی تحت قید و بند، تابعیت، تحمیل، سوءاستفاده و بدرفتاری مردان هستند. این الگوی ستمگری با عمیق‌ترین شکل در سازمان جامعه عجین شده و ساختار پدرسالاری را به وجود آورده است. از سویی نظریه‌های نابرابری نیز جایگاه مردان را به‌بیشتر موقعیت‌هایی تنها متفاوت از جایگاه مردان بلکه از آن کم‌بهاتر و با آن نابرابر مطرح می‌کنند و سرچشمه این نابرابری‌ها را سازمان جامعه می‌دانند. با توجه به این پایه‌های فکری و ابعاد عملی این انقلاب و تمرکز جدی بر زنان شاید بتوان حوادث به وقوع پیوسته در چند روز اخیر و تاکتیک نرم و رسانه‌ای دشمن در سوءاستفاده از قوت مهسا امینی را در قالب اهداف انقلاب زنانه روایت کرد؛ چرا که کشف حجاب و ضرب‌بخشی به گشت ارشاد از جمله فرایندها و نقطه مرکزی انقلاب زنانه است. بر اساس این چارچوب فکری، حجاب اجباری مرکز خشونت دولتی علیه زنان در ایران قلمداد شده و طرح مطالبه آزادی پوشش نه تنها مطالبه‌ای حاشیه‌ای و دم‌دستی نیست بلکه بنیان ایدئولوژیک و ساختار تولید نظامی را نشانه می‌رود که به موجب آن زنان را محذوف و مطرود ساحت‌های گوناگون می‌کند.

در حقیقت علت این هجمه به متولی بودن حاکمیت اسلامی در ساختن سوژه زن با توجه به مبانی اسلامی و انکار هویت زنان سکولار و تجدد گراست. کوتاه سخن اینکه جریان براندار با محور قرار دادن زنان و بهره‌گیری از احساسات و قدرت شبکه‌سازی زنان در قالب ایده‌دوقطبی و انزجار از طبقه فرادست(مردان) برای طبقه فرودست(زنان)، کشف حجاب، تغییر سبک زندگی زنان ایرانی به دنبال اجرایی سازی پروژه بلندمدت انقلاب زنانه و در اصل حذف احکام و ایدئولوژی اسلامی است. نکته مهمی که باید در فرایند تبریک نسبت چنین جنبش موجه قرار داد این است که کوتاه آمدن از احکام اسلامی و یا قبول آزادی حجاب در ادامه افزایش مطالبات و گرایش‌های رادیکال و افراطی تر را موجب خواهد شد و نتیجه چنین رهیافتی تقدس‌زدایی از نهاد خانواده و جایگاه مادری، ترویج همجنس‌گرایی زنانه و مردانه، ازدواج‌های خارج از چارچوب و... خواهد بود.

مطابق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴

متولیان حجاب چه کسانی هستند و چه وظایفی دارند؟

۲۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
ترویج الگوهای مناسب برای عفاف و حجاب و ممانعت از ترویج فرهنگ مدگرایی منفی در محصولات و کالاهای فرهنگی.

۵ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
تدوین قوانین لازم و کارآمد در خصوص پیشگیری از بروز و گسترش فساد و ابتذال در جامعه

۵ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
اهتمام بیشتر در ممانعت از ورود غیرقانونی پوشاک و محصولات فرهنگی مغایر با عفت عمومی و شئونات اسلامی با توجه به قوانین

۸ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
ایجاد فضای امن در تبادل اطلاعات و جلوگیری از مخدوش شدن حریم عفاف در عرصه تبادل اطلاعات.

۶ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
آسیب‌شناسی بدحجابی و ابتذال فرهنگی با انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی.

۱۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
اطلاع‌رسانی در خصوص شئونات اسلامی و فرهنگی با جزوه‌ها و بروشورهای توزیعی در بین گردشگران.

۱۸ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
افزایش ضریب اطمینان خانواده‌ها نسبت به رعایت حریم عفاف و حجاب در ورزشگاه‌ها و سالن‌های مخصوص بانوان

۱۷ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
ارائه لباس‌های مناسب به بیماران برای ورود به اتاق عمل جراحی

۱۲ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
تقویت نظام تبلیغ دینی در دو عرصه سنتی و مدرن و تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب

۱۰ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
نظارت و کنترل ویژه جشن‌ها، میهمانی‌ها و سفارتخانه‌ها و وابستگان خارجی و ایرانی که در آن شرکت می‌کنند.

۵ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
انجام تبلیغات، تهیه انواع بروشور، اطلاعیه و... در خصوص رعایت حجاب اسلامی و جلوگیری از بی‌بندوباری در محیط‌های کاری

۱۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
دقت در صدور مجوز سازمان‌های غیردولتی و نظارت مستمر بر فعالیت آن‌ها با تأکید بر توسعه فرهنگ عفاف و حجاب

۲۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
تذکر به افراد بدحجاب و برخورد با آن‌ها طبق ضوابط قانونی در اماکن عمومی شهر.

۱۳ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
حمایت عملی از طراحان و تولیدکنندگان پوشاک‌های ساده و اسلامی در راستای ایجاد تنوع در الگوهای پوشش اسلامی

۲۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
اهتمام به مثبت‌نگری در مورد فرهنگ عفاف و حجاب در تألیف کتب درسی و آشنا کردن جوانان به مجاری نفوذ فرهنگ غربی

۱۴ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
آسیب‌شناسی وضعیت ازدواج جوانان در برنامه‌های مصوب مربوط و ارائه راهکارهای مناسب برای دستیابی به اهداف مشخص

۱۷ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
برخورد غیرمستقیم با عوامل فساد و پوشش نامناسب از طریق تشکل‌های دانشجویی

۹ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
معرفی نمونه‌های موفق ساخت و ساز متناسب با فرهنگ ایرانی ، اسلامی برای الگوبرداری سازندگان

۷ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
ایجاد مراکز رفاهی در ایستگاه‌های راه‌آهن، فرودگاه‌ها، پایانه‌ها و جاده‌ها به همراه نصب تابلوهای راهنما با محوریت عفاف و حجاب

۶ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
تهیه پودمان آموزشی ترویج فرهنگ عفاف برای خانواده‌ها

۱۰ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
گسترش فرهنگ عفاف در سطح شهر، مراکز فرهنگی، مراکز زیر پوشش شهرداری و مراکز عمومی

۱۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
تشویق مسئولان امر در عرصه حجاب وعفاف

۵ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
توانمندسازی و تأمین امنیت مالی و جانی زنان بی‌سرپرست به منظور جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی

۷ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
تهیه و تصویب طرح‌های آسان‌سازی ازدواج و تأمین منابع مورد نیاز اقتصادی، فرهنگی و... برای زوج‌های جوان

۹ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
توجه ویژه به سیاست‌ها و آموزه‌های فرهنگ عفاف و حجاب هنگام تدوین برنامه‌های توسعه پنج ساله و بودجه سالانه کشور

۳۱ وظیفه
■ خلاصه مهم‌ترین وظایف:
اهتمام ویژه در خصوص معرفی و ترویج فرهنگ عفاف به منظور نهادینه سازی و جذاب نمودن آن

وزارت بازرگانی
وزارت آموزش و پرورش
سازمان ملی جوانان
وزارت علوم و تحقیقات
وزارت مسکن
وزارت راه و ترابری
محاونت امور زنان و خانواده
شهرداری‌ها
ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر
مجلس شورای اسلامی
سازمان بهزیستی
سازمان مدیریت و برنامه و بودجه
سازمان صداوسیما

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
قوه قضائیه
وزارت امور اقتصادی و دارایی
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
نیروی مقاومت بسیج
سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
سازمان تربیت بدنی
سازمان تبلیغات اسلامی
وزارت بهداشت و درمان
وزارت امور خارجه
وزارت کار و رفاه اجتماعی
وزارت کشور
نیروی انتظامی